

گزارش کارشناسی پیرامون

شکایت شرکت داروشیشه از بخشنامه‌های بانک مرکزی

پیرو شکایت شرکت دارو شیشه از بخشنامه‌های «شماره ۱۰۰۶/۶۰ مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۰۹» و «شماره ۱۶۲۴۶/۹۲ مورخ ۹۲/۰۱/۲۶» و «شماره ۱۲۹۰۷۵/۹۲ مورخ ۹۲/۰۵/۰۱» بانک مرکزی نزد دیوان عدالت اداری و ادعای مغایرت شرعی مفاد بخشنامه‌های مذکور و در نتیجه استعلام دیوان از شورای نگهبان، پرونده در پژوهشکده شورا مورد بررسی قرار گرفت و گزارش این بررسی پس از برگزاری جلسات داخلی و نیز جلسه مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۱۸ در محل پژوهشکده با حضور وکیل مدافع و یکی از اعضای هیأت مدیره شرکت مذکور و همچنین نمایندگان بانک مرکزی (آقایان شعبانی، معاون اداره سیاست‌ها و مقررات ارزی؛ بهرامی، رییس دعاوی حقوقی و فرهمند کارشناس حقوقی)، تقدیم می‌شود:

چکیده

با توجه به مجموع بررسی‌های انجام شده این گونه به نظر می‌رسد که باید میان قرارداد فیما بین بانک عامل (بانک پارسیان) و شرکت مذکور و نیز بخشنامه‌های بانک مرکزی قائل به تفکیک بود. در خصوص قرارداد مرجع صالح برای اظهارنظر، مراجع عمومی دادگستری بوده و موضوع شکایت حاضر بخشنامه‌های بانک مرکزی هستند هرچند استدلالات موجود در خصوص قرارداد در این گزارش بیان شده است. اما در مورد بخشنامه‌های مورد شکایت، از دو جهت قابل ایراد به نظر می‌رسند؛ یکی ابطال گواهی‌ها و کدهای تخصیص ارزی که به نرخ مرجع صادر شده و این گواهی‌ها و کدهای تخصیص نشان از فروش ارز به نرخ مرجع دارد و ابطال یک‌طرفه آن‌ها توسط بانک مرکزی از جهت اینکه نسبت به ارز مزبور، خرید و فروش انجام یافته، محل تأمل است. از طرف دیگر عطف به سابق شدن این حکم واجد ایراد به نظر می‌رسد. بدین صورت که بخشنامه‌های مزبور در تاریخ‌های ۹۲/۰۱/۲۶، ۹۲/۰۴/۰۹ و ۹۲/۰۵/۰۱ صادر شده‌اند اما حکم خود را نسبت به کالاهایی که کل مبلغ اعتبار اسنادی سابقاً از متقاضی دریافت گردیده (هرچند ممکن است کالای مربوطه ترخیص نشده و یا بعد از تاریخ ۹۱/۱۲/۰۳ ترخیص شده باشد) گسترش داده است.

بررسی تفصیلی

شرکت داروشیشه در تاریخ ۹۰/۰۹/۰۸ اقدام به ثبت سفارش ۲ خط کامل ماشین‌آلات تولید ظروف شیشه‌ای تزریقی دارویی به ارزش مبلغ ۲,۸۳۰,۰۰۰ یورو کرده است و بدین منظور نزد بانک پارسیان اعتبار اسنادی نقدی با ارزشی برابر با ارزش این معامله افتتاح نموده است که معادل ۱۰۰٪ ارزش ریالی آن را نیز در همان تاریخ جهت

افتتاح اعتبار به بانک مذکور پرداخت کرده است. یک مورد از دو خط تولید موضوع معامله در تاریخ ۹۱/۰۱/۰۶ از گمرک قزوین ترخیص شده و خط دوم در تاریخ ۹۲/۰۲/۲۱ به گمرک قزوین وارد شده است. اما بانک پارسیان بر اساس قرارداد اعتبار اسنادی منعقد شده بین این بانک و شرکت مزبور و به استناد بخشنامه‌های بانک مرکزی از تحویل اسناد مربوطه جهت ترخیص خط دوم خودداری کرده و آن را منوط به پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز مرجع در روز افتتاح اعتبار اسنادی و نرخ ارز مبادله‌ای در روز ترخیص کالا نموده است. بنابراین در این گزارش به بررسی دو مورد می‌پردازیم، اولاً قرارداد اعتبار اسنادی فی‌مابین بانک عامل و شرکت را بررسی کرده و سپس به بخش‌نامه مورد شکایت خواهیم پرداخت:

الف) بررسی قرارداد اعتبار اسنادی منعقد شده میان شرکت داروشیشه و بانک پارسیان

۱. اعتبار اسنادی: در بانکداری بین‌المللی به منظور اطمینان فروشندگان از پرداخت قیمت کالای فروخته شده توسط خریداران از ابزاری به نام اعتبار اسنادی استفاده می‌شود. بدین صورت که یک بانک از سوی خریدار به بانک فروشنده متعهد می‌شود تا در صورت ارائه اسناد حمل کالا که نشان از ارسال کالا برای خریدار دارد به ویژه بارنامه و تطابق آن اسناد با شرایط اعتبار، ظرف ۵ روز بانکی نسبت به پرداخت وجه آن اقدام نماید. زمان پرداخت ارز موضوع تعهد توسط بانک خریدار (که معمولاً در مورد واردات کالا، بانکی ایرانی است) به قرارداد فی‌مابین فروشنده و خریدار بستگی دارد؛ به عبارت دیگر اگر نحوه پرداخت اصطلاحاً **open account** باشد یعنی فروشنده بایستی ابتدائاً کالا را ارسال نموده و هنگام ترخیص کالا ارز تعهد شده به بانک فروشنده انتقال داده شود متفاوت است با زمانی که نحوه پرداخت **payment in advance** باشد. در صورت اخیر ابتدا بایستی ارز منتقل شود و سپس کالا ارسال می‌گردد.

۲. ماهیت قرارداد اعتبار اسنادی: قرارداد اعتبار اسنادی در قالب عقد **جعاله** میان خریدار و بانک منعقد می‌شود بدین صورت که خریدار به عنوان جاعل و بانک به عنوان عامل طرفین قرارداد بوده و جعل آن نیز «معادل ریالی مبلغ مندرج در متن اعتبار به تاریخ روز پرداخت وجه اسناد و دیگر هزینه‌هایی که از سوی بانک طبق سایر مواد قرارداد انجام می‌شود»، است. بنابراین ماهیت اعتبار اسنادی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران صرفاً خرید و فروش نیست بلکه جعاله است و خرید و فروش ارز قسمتی از این قرارداد محسوب می‌شود و شرایط تفصیلی متنوعی در قرارداد نمونه (تیپ) آن پیش‌بینی شده است. لذا در حقیقت اعتبار اسنادی یک قراردادی است که از خرید و فروش ارز و تعهد به تسلیم ارز به طرف سوم تشکیل شده است بنابراین نمی‌توان خرید ارز را از این قرارداد منفک دانست و از سوی دیگر نمی‌توان اعتبار اسنادی را تنها خرید ارز به‌شمار آورد.

در ادامه برخی از بندهای قرارداد جعاله اعتبار اسنادی ذکر می‌شود:

- تمام مبلغ جعل و نیز اقلام دیگری که در قرارداد بین جاعل و بانک منعقد می‌شود به عنوان دین مسلم و غیرقابل انکار جاعل به بانک محسوب شده و جاعل حق هرگونه ادعا و اعتراض راجع به مبلغ جعل بانک را از هر جهت از خود سلب و ساقط می‌نماید.

- جاعل متعهد می‌گردد ظرف مدت ۱۵ روز در مواردی که حمل هوایی است و ظرف مدت ۳۰ روز در موارد دریایی یا زمینی از تاریخ اعلام وصول و معامله اسناد جهت دریافت اسناد حمل و دادن ترتیب واریز کل مبلغ جعل و سایر هزینه‌های احتمالی به بانک مراجعه و ترتیب واریز بدهی را بدهد.

- با توجه به ماهیت خاص قراردادهای جعالة اعتبار اسنادی و معلوم نبودن تاریخ پرداخت وجه اسناد، در زمان انعقاد قرارداد جاعل به بانک وکالت (بلاعزل و بدون ضم امین یا وکیل دیگر) می‌دهد تا پس از مشخص شدن تاریخ پرداخت اسناد نسبت به تعیین مدت جعاله و نیز مبلغ جعل اقدام نماید.

بنابراین مبلغی که هنگام افتتاح اعتبار اسنادی از سوی بانک از جاعل دریافت می‌گردد ثمن نیست چراکه ماهیت اعتبار اسنادی در نظام حقوقی ایران بیع نیست و کل جعل قرارداد جعاله نیز نمی‌باشد؛ بلکه به عنوان پیش‌پرداخت جعل در قرارداد جعاله است.

حال در خصوص موضوع شکایت با توجه به اینکه نرخ ارز در تاریخ ورود کالا به گمرک با نرخ ارز در تاریخ افتتاح اعتبار متفاوت بوده و در این تاریخ سه نرخ برای ارز در کشور وجود داشت (نرخ مرجع، نرخ مبادله‌ای و نرخ آزاد). بانک عامل به استنادات ذکر شده پرداخت مابه‌التفاوت قیمت ارز مرجع و ارز مبادله‌ای را مطالبه نموده است.

شرکت دارو شیشه مدعی هست که با توجه به پرداخت ۱۰۰٪ ارزش ریالی اعتبار اسنادی هنگام افتتاح اعتبار بانک نباید به دلیل پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز مرجع و مبادله‌ای از ترخیص کالای موجود در گمرک و تسویه اعتبار صادر شده جلوگیری شود، چرا که مبلغ قرارداد و ارز مربوط به صورت کامل پرداخت شده و اینکه نرخ ارز تغییر پیدا کرده دلیلی برای پرداخت مابه‌التفاوت از سوی شرکت نمی‌شود. مستند شرکت در این رابطه نیز **خرید ارز قطعی توسط بانک است** که به موجب فرم‌هایی که توسط شرکت پر شده و نیز اسنادی که در پرونده پیوستی موجود است گواهی می‌شود. به عبارت دیگر بر اساس مدارک مذکور در پرونده شرکت مزبور ارز را به قیمت روز و به صورت قطعی خریداری نموده است و لذا دیگر وجهی وجود ندارد که بابت آن درخواست پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز در زمان خرید ارز و زمان ترخیص کالا از گمرک شود و این امر در صورتی موجه می‌نمود که وارد کننده کالا، ارز را به صورت قطعی خریداری نکرده و صرفاً پیش‌پرداختی جهت خرید ارز می‌پرداخت.

البته در مقابل این استدلال این گونه پاسخ داده شده است که براساس مفاد قرارداد جعاله منعقد فیما بین شرکت و بانک و نیز تعهدنامه اعتبارات اسنادی که توسط شرکت در حق بانک امضا شده است شرکت بایستی مابه‌التفاوت مذکور را پرداخت نماید. چرا که اولاً همانطور که پیش از این بیان شد جُعل قرارداد جعاله، عبارت است از معادل ریالی اعتبار اسنادی صادر شده با توجه به قیمت ارز در روز پرداخت اسناد و نه در روز افتتاح اعتبار و پرداختی که در زمان افتتاح اعتبار انجام می‌شود اگرچه که در آن روز معادل ۱۰۰٪ ارزش اعتبار است لکن به معنای ایفای کامل تعهد جاعل به بانک (عامل) نیست بلکه صرفاً پیش‌پرداختی است که بابت افتتاح اعتبار صورت گرفته است. بندهای ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۰ و ۱۳ قرارداد جعاله تصریحا و تلویحا بر این مورد دلالت دارند.

ثانیاً تعهدنامه امضا شده توسط نماینده شرکت مبنی بر تعهد به پرداخت هرگونه مابه‌التفاوت ناشی از تغییر یا نوسان در نرخ ارز شاهد دیگری است بر این ادعا. در این خصوص بند (۱) این تعهدنامه بدین شرح مقرر شده است:

«هرگونه تغییر یا نوسانی در نرخ ارز روز تسویه حساب اعتبار اسنادی فوق که براساس مقررات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ایجاد شود مورد قبول و تأیید بوده و ملزم به پرداخت هم‌ارز ریالی آن می‌باشد.»

بنابراین براساس قرارداد جعاله و نیز تعهدنامه امضاشده توسط شرکت بایستی هنگام تسویه اسناد نرخ روز ارز محاسبه شود.

اما در مقابل اینگونه پاسخ داده می‌شود که استدلال فوق در صورتی صحیح می‌نمود که ارز مورد نظر به صورت قطعی خریداری نمی‌شده است و نه اینکه ارز به صورت قطعی خریداری شده باشد و حال مجدداً مابه‌التفاوت قیمت ارزی أخذ شود که سابقاً خریداری و احتمالاً به طرف مقابل پرداخت شده باشد و صرفاً کالای مزبور هنوز از گمرک ترخیص نشده است. لذا تعهدنامه مزبور در این خصوص فاقد موضوعیت بوده و در مورد اعتبارات اسنادی که به صورت اعتباری و یا تقسیطی صادر می‌شود معتبر است نه در این مورد که کل مبلغ یکجا و نقدی پرداخت شده است. همچنین هرچند پرداخت قیمت ارز صرفاً بخشی از پرداخت موضوع اعتبارات اسنادی می‌باشد اما خرید ارز خود نیز موضوع مستقلی محسوب می‌شود که در ذیل اعتبارات اسنادی قرار می‌گیرد.

حال به بررسی بخش اصلی پرونده یعنی بخش‌نامه‌های مورد شکایت می‌پردازیم.

(ب) بررسی بخشنامه های بانک مرکزی

اما صرف نظر از اینکه قرارداد فی مابین بانک عامل در این پرونده (بانک پارسیان) و شرکت مذکور واجد چه حکمی است و اعتبار آن در خصوص موضوع به چه نحو می‌باشد، آنچه که موضوع این شکایت واقع شده بخشنامه های بانک مرکزی است فارغ از اینکه قراردادی وجود داشته یا نداشته باشد. چرا که بر اساس ادعای

مطرح شده همین بخشنامه ها هستند که مستند عمل بعدی بانک عامل جهت مطالبه مابه‌التفاوت نرخ ارز بر اساس قرارداد فی مابین بانک و شرکت، واقع شده است. بخش نامه های مورد شکایت به شرح ذیل می باشد:

۱- بند (ب) ماده (۱) بخشنامه شماره ۱۰۰۶/۶۰ مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۰۹:

«ماده ۱ - در صورتی که معادل ریالی کل مبلغ اعتبار اسنادی (با تعهد پرداخت بانک) به صورت یکجا یا به دفعات قبل از ۹۱/۰۹/۱۱ از متقاضی دریافت گردیده است، الف) ... ب) در صورت عدم ترخیص کالای مربوطه و یا ترخیص بعد از ۹۱/۱۲/۰۳ می بایستی ارز مورد نیاز حسب اولویت گروه کالایی به نرخ مرجع اعلامی از سوی بانک مرکزی و یا به نرخ مورد معامله در مرکز مبادلات ارزی تأمین شود. در مورد گروه کالایی با اولویت ۱۰ تأمین ارز صرفاً از محل ارز متقاضی خواهد بود.»

به نظر می‌رسد حکم این ماده عطف به ماسبق شده است. توضیح آنکه تاریخ صدور بخشنامه نهم تیر ماه ۱۳۹۲ است در حالی که حکم ماده در مورد کالاهایی است کل مبلغ اعتبار اسنادی سابقاً (از تاریخ این بخشنامه) از متقاضی دریافت گردیده است هرچند ممکن است کالای مربوطه ترخیص نشده و یا بعد از تاریخ ۹۱/۱۲/۰۳ ترخیص شده باشد. بنابراین حکم این ماده و بند مزبور نسبت به کالاهایی که پیشتر ارز آنها به صورت قطعی خریداری شده است عطف به ماسبق شده است.

۲- بند (۱) و (۲) بخشنامه شماره ۱۶۲۴۶/۹۲ مورخ ۹۲/۰۱/۲۶:

۱- با توجه به اعلام وزارت صنعت، معدن و تجارت واردات کالاهای ... دارو، مواد اولیه دارویی، شیرخشک و تجهیزات و ملزومات پزشکی در سال ۱۳۹۲ به نرخ مبادله‌ای بوده و ارائه درخواست گواهی ثبت آماری بر مبنای نرخ مزبور (مبادله‌ای) بلامانع خواهد بود.

۲- با توجه به مفاد بند (۱) در رابطه با معرفی نامه‌های صادره از سوی وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به منظور تخصیص ارز به نرخ مرجع که کالای آنها تاکنون ترخیص نشده به ترتیب ذیل اقدام گردد:

الف- چنانچه ارز کالاهای مذکور به نرخ مرجع تأمین شده لیکن کد تخصیص ارز دریافت نگردیده و کالا نیز از گمرک ترخیص نشده است، ارائه تقاضای صدور گواهی ثبت آماری از سوی بانکها با نرخ مرجع مقدور نبوده و در این راستا بانکها می‌توانند درخواست مورد بحث را با نرخ مبادله‌ای به اداره نظارت ارز ارسال نمایند تا پس از اخذ کد تخصیص ارز نسبت به ترخیص کالا اقدام گردد.

منظور از تأمین ارز همان فروش آن است. (این را می توان از بند «۱» بخشنامه شماره ۱۲۹۰۷۵/۹۲ مورخ ۹۲/۰۵/۰۱ فهمید)^۱ بنابراین موضوع بند مورد بحث ارز کالاهایی است که به نرخ مرجع تأمین شده یعنی فروخته شده است اما کد تخصیص ارز هنوز دریافت نشده و کالا نیز هنوز ترخیص نشده است. حال بر اساس بخشنامه فوق مقرر شده است پس از اینکه ارز به نرخ مرجع فروخته شده، از صدور گواهی آن امتناع کرد و نرخ مبادله‌ای را جایگزین آن نمود. در این خصوص به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت خرید و فروش و لازم شدن عقد پس از ایجاب و قبول آن دیگر نمی‌توان به صورت یک‌طرفه آن را فسخ کرد و یا نرخ جدیدی را مبنا قرار داد. فلذا این بند بخش‌نامه از جهت موازین قانونی و شرعی محل تأمل به نظر می‌رسد.

ب- در صورتی که ارز کالاهای مذکور به نرخ مرجع تأمین و کد تخصیص نیز دریافت شده، لیکن کالای مربوطه ترخیص نگردیده است، در این گونه موارد گواهی‌های ثبت آماری صادره به نرخ مرجع ابطال گردیده و بانک‌ها می‌توانند همانند جزء (الف) درخواست مورد بحث را با نرخ مبادله‌ای به اداره نظارت ارز ارسال نمایند تا پس از اخذ کد تخصیص ارز، نسبت به ترخیص کالا اقدام گردد.»

در مورد این بند نیز همانند بند قبل نمی‌توان پذیرفت پس از تأمین ارز (فروش ارز از سوی بانک) و دریافت کد تخصیص، گواهی‌های سابق ابطال شده و گواهی جدید به نرخ مبادله‌ای محاسبه شود. پس از لزوم عقد تنها مرجع صالح برای ابطال آن مرجع قضایی است فلذا بانک مرکزی صلاحیت ابطال گواهی‌های صادره و نتیجتاً خرید ارز به نرخ مرجع را ندارد و این بند از بخش‌نامه نیز نظیر بند فوق الذکر محل تأمل می‌باشد.

۳- بند (۱) بخشنامه شماره ۱۲۹۰۷۵/۹۲ مورخ ۹۲/۰۵/۰۱

«۱- با توجه به ابلاغ قانون بودجه سال ۱۳۹۲ و ضرورت استفاده از نرخ روزانه بانک مرکزی جهت واردات کالا و خدمات، کلیه ثبت سفارشات که ارز آن‌ها پیش‌تر از سوی این بانک تأمین شده (فروخته شده)، لیکن کالای مربوطه ترخیص نگردیده (اعم از کالاهای اساسی، دارو، مواد اولیه دارویی، تجهیزات پزشکی و ...) صدور کد تخصیص ارز به نرخ مرجع برای آن‌ها مقدور نبوده و کدهای صادره قبلی به نرخ مزبور (مرجع) نیز ابطال شده تلقی می‌گردد، ...»

۱- «۱- با توجه به ابلاغ قانون بودجه سال ۱۳۹۲ و ضرورت استفاده از نرخ روزانه بانک مرکزی جهت واردات کالا و خدمات، کلیه ثبت سفارشات که ارز آن‌ها پیش‌تر از سوی این بانک تأمین شده (فروخته شده)، لیکن کالای مربوطه ترخیص نگردیده (اعم از کالاهای اساسی، دارو، مواد اولیه دارویی، تجهیزات پزشکی و ...) صدور کد تخصیص ارز به نرخ مرجع برای آن‌ها مقدور نبوده و کدهای صادره قبلی به نرخ مزبور (مرجع) نیز ابطال شده تلقی می‌گردد، ...»

در این مورد نیز همان‌طور که در بندهای قبل متذکر شدیم با توجه به اینکه منظور از تأمین ارز فروش آن است (به تصریح این بند از بخشنامه) و با توجه به لازم بودن عقد بیع و عدم امکان فسخ یک‌طرفه آن نمی‌توان از صدور کد تخصیص ارزهایی که به نرخ مرجع خریداری شده خودداری نمود و یا اینکه کدهای قبلی را یک‌طرفه باطل اعلام نمود. لذا این بند از بخشنامه مذکور نیز از جهت اصولی همچون اصاله الزوم و قبح عقاب بلا بیان مجمل تأمل است.

نتیجه‌گیری

با عنایت به بررسی‌های انجام گرفته در خصوص این پرونده بین قرارداد فی‌مابین شرکت و بانک عامل و بخش‌نامه‌های بانک مرکزی تفکیک صورت گرفت.

در خصوص قراردادهای فی‌مابین شرکت و بانک عامل اگرچه که مرجع صالح برای رسیدگی مراجع عمومی دادگستری هستند لکن به نظر می‌رسد در مجموع دو دسته استدلال در خصوص این قراردادها قابل توجه باشد. مطابق دسته اول از استدلال‌ها، در بررسی موضوع بایستی به ماهیت قرارداد اعتبار اسنادی منعقد توجه نمود. توضیح آن‌که قرارداد اعتبار اسنادی که در نظام حقوقی و بانکی جمهوری اسلامی در قالب جعاله اعتبار اسنادی منعقد می‌شود از عقد خرید و فروش ارز و نیز تعهد بانک به انتقال ارز خریداری شده به حساب فروشنده تشکیل می‌شود و در پرونده حاضر مبلغی که به زعم شرکت به عنوان مبلغ کل قرارداد به صورت نقدی و یکجا پرداخت شده است در حقیقت پیش‌پرداخت قرارداد اعتبار اسنادی تلقی شده و تعهدنامه‌ای که توسط شرکت له بانک امضا شده نیز این مطلب را تأیید می‌کند.

اما بر اساس استدلال طرف مقابل با توجه به اینکه بر اساس مدارک موجود در پرونده شرکت مزبور ارز را به قیمت روز و به صورت قطعی خریداری نموده است دیگر وجهی وجود ندارد که بابت آن درخواست پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز در زمان خرید ارز و زمان ترخیص کالا از گمرک شود و این امر در صورتی موجه می‌نمود که وارد کننده کالا، ارز را به صورت قطعی خریداری نکرده و صرفاً پیش‌پرداختی جهت خرید ارز می‌پرداخت.

لذا قرارداد و تعهدنامه مورد نظر در این خصوص فاقد موضوعیت بوده و در مورد اعتبارات اسنادی که به صورت اعتباری و یا تقسیطی صادر می‌شود معتبر است نه در این مورد که کل مبلغ یکجا و نقدی پرداخت شده است و ارز مورد نظر نیز به صورت قطعی خریداری شده است. همچنین اگرچه خرید ارز صرفاً بخشی از اعتبارات اسنادی را تشکیل می‌دهد اما خود خرید ارز نیز موضوعی مستقل محسوب می‌شود که ذیل قرارداد اعتبارات اسنادی قرار می‌گیرد.

اما در خصوص بخش‌نامه‌های مورد شکایت فارغ از اینکه قرارداد فی‌مابین بانک عامل در این پرونده (بانک پارسیان) و شرکت مذکور واجد چه حکمی است و اعتبار آن در خصوص موضوع به چه نحو می‌باشد، به نظر

می رسد از دو جنبه واجد ایراد باشند؛ اولاً به موجب این بخشنامه‌ها کدهای تخصیص و گواهی‌های مربوط به ارزشهای فروخته شده به نرخ مرجع به صورت یک‌طرفه از طرف بانک مرکزی باطل اعلام شده و حکم به صدور گواهی‌های جدید با نرخ مبادله‌ای شده است که این امر می‌تواند به منزله فسخ یک طرفه خرید و فروش صورت گرفته تلقی شود. ثانیاً حکم مزبور در این بخشنامه‌ها معطوف به ارزشهایی شده است که سابقاً کل مبلغ اعتبار اسنادی آنها از متقاضی دریافت گردیده و فروخته شده است بنابراین بخشنامه‌های مورد اشاره در بندهای فوق از دو جهت محل تأمل هستند، اول از جهت ابطال یک‌طرفه کدهای صادره تخصیص ارز که به قیمت مرجع صادر و فروخته شده بودند و دوم از جهت عطف بماسبق شدن حکم بندهای مذکور.